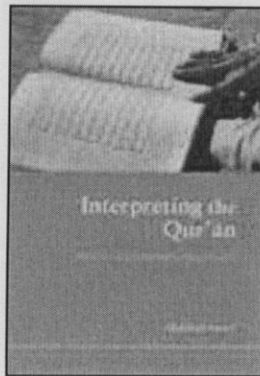


معرفی کتاب خارجی

درآمدی بارهیافتی نوین در تفسیر قرآن

• سیدعلی آقایی

■ درآمدی به رهیافتی نوین در تفسیر قرآن
■ عبدالله سعید
■ لندن و نیویورک: راتلج، ۲۰۰۶



■ Interpreting the Qur'an:
Toward a Contemporary Approach
■ Abdullah Saeed
■ London and New York:
Routledge, 2006

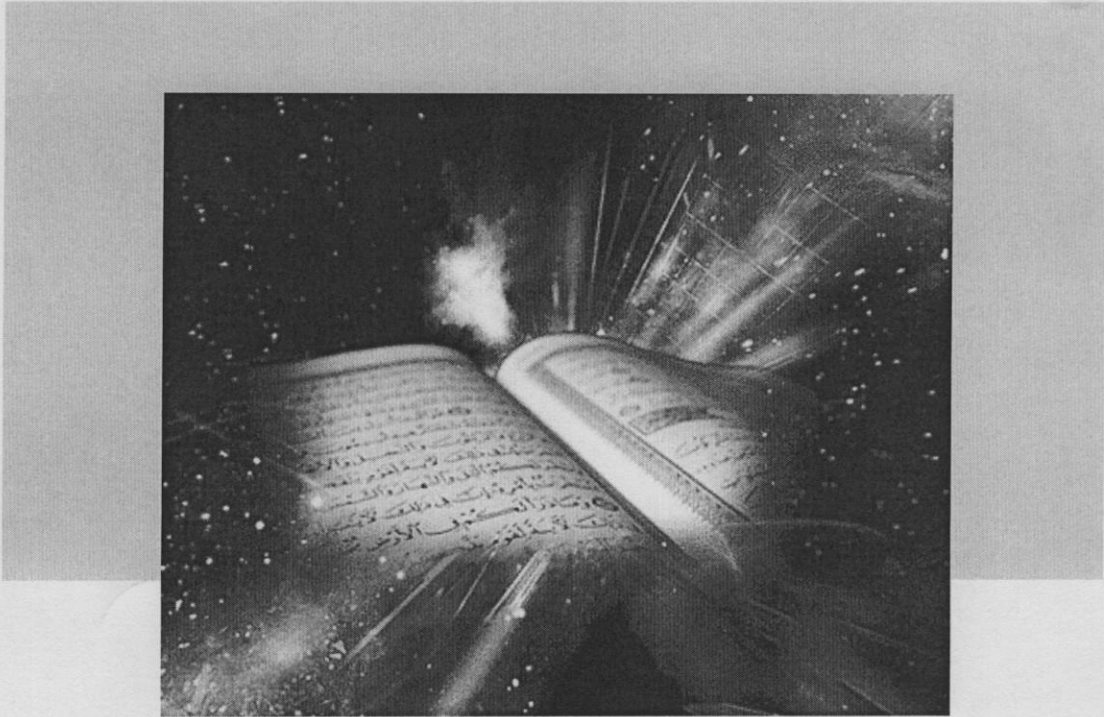
پیش درآمد

۱. یکی از مسائلی که در حوزه قرآن پژوهی دوره معاصر مطرح شده، موضوع رابطه متن قرآن کریم به مثابه «کلام الهی» و تاریخ آن است. قرآن پژوهان غربی و بسیاری از نواندیشان مسلمان برای پاسخ به این موضوع به روش‌های نقد تاریخی متون متوسل شده‌اند؛ اما با این شیوه مطالعه و فرایند تفسیری آن، جایگاه قرآن کریم از یک متن فقهی به متنی اخلاقی تغییر می‌کند، به گونه‌ای که جزئیات تاریخی طرح شده در قرآن کریم اهمیت خود را از دست می‌دهد و تنها به مقاصد اخلاقی آن توجه می‌شود. البته این نوع نگرش نسبت به قرآن کریم با دشواری‌ها و مشکلات خاص خود روبه‌رو است، مثلاً اینکه چگونه باید این رویکرد نواندیشانه بر متن مقدس قرآن کریم تطبیق شود، رویکردی که همواره مخالفت‌های مسلمانان را در جوامع اسلامی به دنبال داشته است. اما به هر حال این بحث و جدل‌ها میان جامعه علمی و مؤمنان مسلمان محملی فراهم آورد، تا جوامع اسلامی به‌طور ملموس و عینی با این مسائل

مواجهه شوند.

۲. رهیافت‌هایی که اخیراً در قرآن پژوهی پی گرفته شده‌اند، حاکی از آن است که فاصله موجود میان پژوهش‌های غربی و دیدگاه‌های اسلامی به سرعت در حال کاهش است. یکی از افراد مسلمان پیشرو در این زمینه، فضل‌الرحمان است که آثار او مخصوصاً کتاب مضامین اصلی قرآن^۱ (۱۹۸۰م) پلی اصلی میان این مباحث بوده است.^۲ وضعیت چنین نگرشی امروزه در کار گسترده‌ای چون دایرةالمعارف قرآن^۳ (۲۰۰۱-۲۰۰۵) به خوبی نمایان است و در دیدگاه‌های تحقیقی گوناگون فراگیر همگرا شده است.

۳. کتاب عبدالله سعید^۴ نیز جلوه‌ای از همین گرایش پژوهشی است و قابل ملاحظه. سعید با به کارگیری ابزارهای تحقیقی نقد تاریخی منابع سنت اسلامی را تحلیل و الگویی برای تفسیر قرآن کریم عرضه کرده است که از یک سو کاملاً علمی و آکادمیک و از سوی دیگر متناسب با نیازهای جامعه اسلامی حال حاضر است. از ویژگی‌های این اثر، توجه به سنت تفسیری اسلامی و اشتیاق



تطور سنت تفسیری از گذشته تا حال حاضر را شناسایی کند، البته به سبب تلاش پی‌گیر و همه‌جانبه خویش در این زمینه، تا حد زیادی نیز موفق بوده است. او در این کتاب به عرضه رهیافتی نو و انعطاف‌پذیر نسبت به آیات فقهی- اخلاقی قرآن کریم همت گماشته است.

رهیافت‌های تفسیری

به نظر سعید، رهیافت‌های تفسیری به قرآن کریم، در سه سرفصل اصلی قابل طبقه‌بندی‌اند (ص ۳):

۱. متن‌گرایان^۵: که به معنای لفظی و ظواهر آیات، پایبندند و «نیازهای روز» مسلمانان را نادیده می‌گیرند. آنان معتقدند معنای قرآن کریم ثابت و قطعی است و همواره و در همه‌جا قابل اجراست. مثلاً آنان بحث از تعدد زوجات در قرآن کریم را به معنای مطلق و عام آن در نظر می‌گیرند و عملاً «سیاق اجتماعی- تاریخی را که این متن در آن نازل شده» لحاظ نمی‌کنند. به عقیده سعید، اینان به دلیل بی‌توجهی به این نکته مهم که «چرا قرآن کریم تعدد زوجات را در حجاز قرن نخست، جایز دانسته است» مقصّرند. نمایندگان این مکتب تفسیری دو جریان سلفی و سنت‌گرایانند.

به یادگیری و بهره‌گیری از آن، است و از سوی دیگر وجه افتراق این نوع پژوهش با مطالعات سلفی است، نگرشی که در کل منکر تحولات جامعه در طول تاریخ و تغییر نیازهای آن است.

سعید تأکید می‌کند که یک مسلمان است و با اعتقاد به وحیانی بودن قرآن کریم به این مهم پرداخته است. وی انگیزه خود را از تألیف این کتاب چنین ذکر می‌کند: «... احساس نیاز شدیدی در میان مسلمانان وجود دارد که می‌خواهند آموزه‌های قرآن کریم، خصوصاً مطالب فقهی- اخلاقی آن را در مسائل روزمره خود پیاده کنند، هرچند شرایط حال حاضر نسبت به گذشته بسیار تغییر کرده است؛ اما بعضی مسلمانان پاره‌ای از آموزه‌های قرآنی را کهنه و از مد افتاده می‌انگارند چراکه آنها را با نیازها و شرایط کنونی مرتبط نمی‌یابند. بنابراین قالب روش‌شناختی مناسبی لازم است تا محتوای این آیات قرآن کریم را به شیوه‌ای معنادار برای مسلمان امروز ترجمه کند» (ص ۵).

این کتاب از آثار جدید در حوزه مطالعات قرآنی است و از آن‌جا که در تفسیر قرآن کریم مطالعات و تألیفات تاریخی، بسیار اندک است، اثری سودمند در باب بازخوانی و فهم نوین از سنت تفسیری مسلمانان به شمار می‌رود. او می‌کوشد تا خطوط اصلی

– آن گونه که در آثار رسمی فقهی انعکاس یافته – نادیده گرفته می‌شوند ... احکام شرعی هیچ‌جا به‌طور کامل اجرا نمی‌شود ... و آنانی که به دنبال آنند، بیش از پیش با اعتراض آشکار اکثریت مسلمانان مواجه می‌شوند. حتی در زمینه حقوق خانواده، اصرار بر تساوی جنسی بدین معناست که شرایط جدیدی پدید آمده است ... تا بیش‌تر از حقوق زنان حمایت شود» (ص ۲-۳).

او هم‌داستان با فضل‌الرحمان و دیگر محتواگرایان بیان می‌کند که در تفسیر مطالب فقهی – اخلاقی قرآن کریم باید تغییرات اجتماعی لحاظ شود، تا رابطه کنونی میان قرآن کریم و مسلمان تداوم یابد. هرچند او تأکید دارد که تلاش برای یافتن روش‌های مقبول در دوران جدید به معنای نفی سنت تفسیری اسلامی نیست، بلکه برعکس دانشمندان باید از روش‌های تفسیری قرآن کریم در طول تاریخ آگاهی داشته باشند تا بتوانند با کمک آن و در پرتو شرایط و چالش‌های حال حاضر، چارچوب تازه‌ای از تفسیر قرآن کریم عرضه کنند (ص ۴).

درباره کتاب

سعید در دوازده فصل به بازسنجی و بازتعریف چگونگی فهم قرآن کریم دست یازیده است. نویسنده در مقدمه، بیان می‌کند که در این کتاب صرفاً به مفاهیم اخلاقی – فقهی پرداخته است، با این تفاوت که به‌طور سنتی این مطالب به شیوه فقهی و ادبی قرائت می‌شده است، ولی او امیدوار است که توانسته، این روش را با رهیافت «محتواگرا» جایگزین کند به‌گونه‌ای که در آن «هم سیاق اجتماعی – تاریخی قرآن کریم در زمان نزول و هم نیازها و شرایط کنونی مسلمانان لحاظ گردد» (ص ۱). از این نقطه عزیمت وی با طرح چند بحث مقدماتی در فصول آغازین کتاب، مبانی برداشت خویش از بافت‌گرایی را پی‌ریزی می‌کند. نخست اینکه ما در دوران مدرن، با مجموعه‌ای از بحران‌های جدید، تغییرات پارادایم و دگرگونی‌های اساسی مواجهیم که با زمینه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران پیشامدرن بسیار متفاوت است. روش‌های سنتی فقهی باید مورد بازاندیشی و بازخوانی قرار گیرد و مجدداً صورت‌بندی شوند تا پاسخ‌گوی شرایط متفاوت



عبدالله سعید

۲. شبه‌متن‌گرایان^۶: آنان نیز هیچ توجهی به بافت اجتماعی – تاریخی احکام فقهی – اخلاقی قرآن کریم ندارند. هرچند به نظر سعید، آنان گهگاه با عرضه کردن محتوای فقهی – اخلاقی در «قالبی نو» خصوصاً در «گفتمانی جدلی» خود را از قیود متنی رها می‌کنند. اخوت اسلامی (مصر) و جماعت اسلامی (شبه‌قاره هند) از مصادیق این رهیافت شمرده می‌شوند.

۳. محتواگرایان^۷: پس‌زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی را که آیات اخلاقی – فقهی در آنها نازل، تفسیر و اجرا شده‌اند، در نظر می‌گیرند. آنان برای عملی کردن این اندیشه، آزادی بیشتری در تعیین احکام ثابت و متغیر قرآن کریم برای خود قائلند. به عقیده سعید، نوآوری‌های روشی که اندیشمندانی چون فضل‌الرحمان برای حل معضل تفسیر آیات فقهی – اخلاقی قرآن کریم پیشنهاد کرده‌اند، در این زمینه بسیار راه‌گشاست. آنان با «پیوند دادن متن قرآن کریم با نیازهای روز جوامع اسلامی، گامی اساسی در این راه برداشته‌اند»^۸.

روشن است که سعید رهیافت محتواگرا به تفسیر قرآن کریم را برگزیده است. زیرا معتقد است که به دنبال تغییرات سیاسی – اجتماعی یکصد و پنجاه سال اخیر، تفسیر متن‌گرای قرآن کریم که تنها از سنجه زبانی برای رسیدن به معنای قرآن کریم بهره می‌گیرد، اعتبار و مقبولیت خود را از دست داده است. او می‌گوید: «امروزه در غالب جوامع اسلامی، بسیاری از احکام شرعی

در فصل چهارم و پنجم، با «تفسیر مأثور» و «تفسیر به رأی» به ترتیب به بررسی تاریخی مفاهیم و تفاسیر عمده این دو گرایش در سنت تفسیری می‌پردازد. به رأی او، هریک از این گرایش‌ها با شروطی قابل قبول‌اند؛ هرچند تاکید دارد که گونه نخست مبنای پیدایش تفسیر لغوی و فقهی و گرایش «متن‌گرا» به قرآن کریم بود و در مقابل تفسیر عقلی عنصر اساسی در گرایش «محتواگرا» است. به هر حال سعید می‌خواهد پروژه خود را با آن چه امروزه جریان غالب اهل سنت است، هم‌داستان نشان دهد و چارچوب روش‌شناختی خود را در همان سنت بنیان نهد. به همین دلیل ارجاعات وی به منابع صوفیه و شیعی بسیار اندک است.

سه فصل بعدی بر مسائل خاص علوم قرآنی تمرکز یافته است. سعید در هر سه فصل، راه‌های بالقوه‌ای برای راه‌یابی به فراسوی الفاظ قرآن کریم را نشان داده است. نویسنده در هر مورد ابتدا دیدگاه‌های سنتی و سپس نظر خود را عرضه می‌کند. این روشی است برای تفسیر مجدد مبتنی بر مقاصد و اهداف، به جای وسائل و ابزارها. دیگر عناصر علوم قرآنی نیز به گونه‌ای مشابه



امروزین باشند. دیگر اینکه تفسیر، یک هنر انسانی است: فاعلی^۱، جایز الخطا و قابل تغییر؛ حتی اگر تفسیر یکی از صحابه یا تابعان یا دیگر بزرگان دین باشد. فهم آنها نیز هم‌چون ما به زمینه و فرهنگ پیرامونی‌شان محدود بوده است و ممکن است خارج از آن فرهنگ و سیاق معتبر و مقبول نباشد. بنابراین امروزه مسلمانان باید سنت را در سایه تجربه، دانش و روش‌های تحقیق کنونی و با بهره‌گیری از روش‌های عقلی، تاریخی و انتقادی آن‌چنانکه امروزه در دیگر زمینه‌های علمی پیاده‌سازی می‌شوند، واکاوی کنند، چراکه روش‌ها، اصطلاحات و مفاهیم موجود در دانش تفسیر سنتی، به‌عنوان یگانه منبع فهم قرآن کریم در دوران معاصر لزوماً مناسب یا معتبر نیستند (ص ۴).

در فصل دوم، به منظور واکاوی پس‌زمینه بازنگری درباره تفسیر قرآن کریم، به گرایش‌های معاصر در تفسیر قرآن کریم پرداخته و مسائل مربوط به تفسیر آیات فقهی- اخلاقی در دوران معاصر را برجسته کرده است. به اعتقاد او بسیاری از دانشمندان مسلمان^۲ کوشیده‌اند با عرضه رهیافت‌های مختلف میان محتوای فقهی- اخلاقی قرآن کریم، نیازها و شرایط دوران معاصر آنها را پیوند دهند و گرایش لغوی و فقهی در تفسیر سنتی را کنار بکشند، به همین سبب در شمار «محتواگرایان» قرار می‌گیرند، هرچند که خود از این تعبیر استفاده نکرده باشند (ص ۵-۶).

نویسنده سومین و آخرین مقدمه خود را در فصل سوم، «وحی و تفسیر» طرح کرده است. در این فصل، او تفسیر بشری را با وحی مقایسه می‌کند و طرح خویش را در حیطه تفسیر مبتنی بر مفهوم سنتی وحی به مثابه کلام الهی ترسیم می‌نماید. البته سعید بر سیاق تاریخی- اجتماعی وحی تاکید ویژه‌ای دارد، چه بعد اخلاقی- فقهی قرآن کریم در پس‌زمینه شخصیت پیامبر (ص) و جامعه ایشان پدیدار شده است. این همان نقطه اتکای تاریخی است که در رهیافت «محتواگرا»ی سعید اساسی است. جالب اینکه او برای بنای چارچوب نظری خود در سه فصل نخست، اول بر منابع غیرسنتی خصوصاً فضل‌الرحمان و ایزوتسو تکیه کرده است. اما از فصل چهارم تا انتهای کتاب، به‌خوبی از منابع متقدم و آثار متأخر بهره گرفته است.

می‌تواند وسیله‌ای متفاوت برای دستیابی به این هدف بیابد که با شرایط خاص خود سازگارتر باشد.

در فصل هشتم، «معنای متن به‌مثابه یک احتمال» سه موضوع طرح شده است: مفاهیم غیبی، آیات تاریخی و امثال قرآن کریم. او تأکید می‌کند که بخش اعظمی از این آیات قرآن کریم را نه می‌توان به معنای ظاهری گرفت و نه تفسیری نهایی از آن عرضه کرد. بنابراین وقتی می‌توان درباره بخشی از قرآن کریم از معنای محتمل به جای معنای قطعی سخن گفت، اعمال این دیدگاه بر آیات فقهی - اخلاقی چندان غریب نمی‌نماید.

فصول پایانی کتاب، تحقیقی عمیق و پرمحتوا درباره نظریه تفسیری سعید است. نویسنده در فصل نهم، «تشخیص پیچیدگی معنا» به سطوح و فرایندهای مختلف ساخت معنا اشاره می‌کند و به مسائلی از قبیل ذهنیت مفسر، محدودیت‌های فهم و تکرر معنا پرداخته است. سعید تأکید می‌کند که مفسر همواره تجربیات، باورها و پیش‌فرض‌های خاص خود را به همراه دارد که در آیاتی که برمی‌گزیند، چارچوب تفسیری و توجه ویژه نسبت به برخی آیات یا سایه‌های معنایی آنها انعکاس می‌یابد. بدیهی است که این بحث سرانجام به نقد مفسرانی می‌انجامد که می‌کوشند فهمی خاص را بر خواننده تحمیل کنند. پس از آن در فصل دهم، اهمیت سیاق تاریخی - اجتماعی آیات را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که تا چندی پیش مفسران این موضوع را نادیده می‌گرفتند. تأسف وی بیش‌تر از آن است که زبان اخلاقی - الهیاتی قرآن کریم معمولاً فقهی تفسیر شده است.

فصل یازدهم، «متن اخلاقی - فقهی و مراتب ارزش‌ها»، در بردارنده بخش اصلی کار سعید است. او بر ضرورت قرائتی دقیق از کل قرآن کریم با شناخت از ارزش‌هایی تأکید می‌کند، که تعیین‌کننده رسالت اصلی قرآن کریم است. وی بدین منظور طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی از ارزش‌های قرآنی عرضه می‌کند که به قرار زیرند (ص ۱۳۰-۱۴۱):

- «ارزش‌های ضروری»^۱: که نسبتاً کم‌شمار و البته ذاتی اسلامند و ظاهراً وابسته به شرایط فرهنگی خاصی نیستند. آنها به نظام باور، اعمال عبادی و حلال و حرام مربوط می‌شوند.

قابل بازخوانی و بازنویسی است، تا بیانی منعطف‌تر از این سنت عرضه شود. نویسنده در فصل ششم، با عنوان «انعطاف‌پذیری در قرائت متون» به تبیین قرائات هفت‌گانه قرآن کریم می‌پردازد. بحث وی را می‌توان به صورت زیر آورد: از آن‌جا که پیامبر(ص) فرموده بودند قرآن کریم بر هفت حرف نازل شده است، صحابه به هنگام قرائت آیات، مترادف‌های گویشی خود را برای برخی واژگان به کار می‌بردند. در جمع عثمان، لهجه‌ای واحد تثبیت شد و در نتیجه انعطاف‌پذیری اولیه از بین رفت. او از این بحث چنین نتیجه می‌گیرد که مسلمانان باید همان درجه آزادی صحابه در قرائت قرآن کریم را، در تفسیر پیاده کنند.

از فصل هفتم روش محتواگرایانه سعید شکل می‌گیرد. او به تفصیل به مسأله نسخ قرآن کریم و مباحث پیرامون آن پرداخته است و بیان می‌دارد که شناخت این موضوع که آیات پیشین گاه با آیات بعدی نسخ شده‌اند، اهمیت زیادی دارد، زیرا این حاکی از آن است که در مدتی کوتاه (۲۳ سال) «شرایط و بالتبع وظایف اخلاقی تغییر کرده است». به عقیده نویسنده نسخ تأییدی بر بازخوانی و تفسیر مجدد از آیات فقهی - اخلاقی هم‌زمان با تغییر نیازهای جامعه اسلامی است؛ گویی بدین ترتیب خداوند ابزاری مناسب در اختیار مسلمانان قرار می‌دهد، تا به کمک آن قرآن کریم را با شرایط روز هماهنگ سازند. اما متأسفانه علما در دوران شکل‌گیری فقه اسلامی و پس از آن، این نتیجه منطقی را استنتاج نکردند که مجوز آن در قرآن کریم و سنت وجود دارد، بدان معنا که وقتی جامعه تغییر می‌کند، احکامی خاص نیز تغییر می‌یابد. هرچند به نظر سعید، امروزه تغییرات شدید در جامعه مدرن چنین گامی را ناگزیر ساخته است. به عقیده او بررسی آیات مربوط به نسخ، روشن می‌کند که «قرآن کریم ناسخ غرض / مقصود حکم نیست، بلکه آن غرض را با اصلاح همان حکم، تقویت می‌کند» (ص ۸۶). بنابراین دانشمندان مسلمان معاصر باید توجه خود را بیش‌تر به اهداف / مقاصد اصلی معطوف کنند. مثلاً در آیه شریفه ۳۸ سوره مبارکه مائده، قطع دست دزد، صرفاً وسیله‌ای برای نیل به غایتی است؛ مقصود آن است که دزد تنبیه شود و دزدان آینده از دزدی منع شوند. پس می‌توان گفت که جامعه اسلامی امروزه

تفسیر قرآن کریم طراحی کرده است که بر مبنای آن مفسر وقتی به تفسیر قرآن کریم می‌پردازد، متن را در زمینه‌اش قرار می‌دهد و به معنا اجازه می‌دهد به‌طور فعال شکل‌گیرد تا تفسیر متن، اثربخش‌تر باشد. الگوی تفسیری سعید به اجمال از این قرار است (ص ۱۵۰-۱۵۲):

گام اول، رویارویی با جهان متن: آشنایی عام و همه‌جانبه با متن و جهان آن.

گام دوم، تحلیل انتقادی متن: اینکه متن درباره خود چه می‌گوید بدون آنکه مخاطبان نخستین یا مخاطبان کنونی در نظر گرفته شوند. این کار با تحلیل وجوه مختلف متن حاصل می‌شود: - تحلیل زبانی: معنای واژگان و عبارات، ترکیب نحوی آیه/ آیات و به‌طور کلی همه مسائل نحوی و زبانی مرتبط با متن. این مرحله قرائت قرآن کریم را نیز شامل می‌شود.

- تحلیل سیاق ادبی: اینکه متن (آیه/آیات) مورد بررسی در سوره خاص یا فراتر از آن در قرآن کریم چه نقشی دارد؛ مثلاً چه چیزهایی قبل و بعد از آیه/آیات آمده است، یا ترکیب و ساختار متن و نیز سبک بلاغی آن چیست؟

- تحلیل قالب ادبی: مشخص کردن اینکه نوع متن تاریخی، اخلاقی، امثال، قصص یا احکام است، زیرا قالب ادبی عبارت و معنای آن به هم مرتبطند.

- متون مشابه: بررسی اینکه آیا متون دیگری مشابه متن مورد بحث وجود دارند و اگر چنین است میزان مشابهت یا اختلاف آنها چقدر است.

- پیشینه: شناسایی متونی که از نظر محتوا یا مفهوم با متن مورد بحث شباهت داشته باشند و بررسی متونی که پیش‌تر یا پس از این متن پدید آمده‌اند.

گام سوم، معنا برای مخاطبان نخستین: در این مرحله متن به نخستین گیرندگان وحی پیوند داده می‌شود:

- تحلیل محتوایی: اطلاعات تاریخی و اجتماعی که زمینه متن را روشن می‌کند؛ تحلیل جهان بینی، فرهنگ، رسوم، باورها، هنجارها و نهادهای مخاطبان نخستین قرآن کریم در حجاز. این مرحله شامل شناسایی افراد خاصی است که در متن به آنها اشاره

- «ارزش‌های بنیادین»^{۱۲}: که ضامن حیات، اموال، شرف، اولاد و دین‌اند چنانکه فقها از دیرباز به آن توجه داشته‌اند. البته سعید معتقد است که این گروه می‌تواند به روش استقرایی بسط یابد و حقوق بشر را نیز شامل شود.

- «ارزش‌های حمایتی»^{۱۳}: که ضامنی قانونی (شرعی) برای ارزش‌های بنیادین فراهم می‌آورند؛ مثلاً نهی از دزدی، مصونیت اموال را تضمین می‌کند.

- «ارزش‌های عملی»^{۱۴}: که به نوبه خود زمینه تحقق ارزش‌های حمایتی را ایجاد می‌کند؛ برای نمونه قطع دست دزد، نهی از دزدی را فعلیت می‌بخشد.

- «ارزش‌های دستوری»^{۱۵}: که در نگاه سعید از هر نظر بیش‌ترین تعداد را دارند، اقداماتی است که به شرایط خاص زمان نزول مربوط می‌شوند. بنابراین دشوار است که دریابیم آیا آنها همواره و همه‌جا قابل اجرا هستند یا برعکس، راهکارهایی موقت و زمان‌مند برای مسائل بوده‌اند. سعید سه محک برای تشخیص این موضوع پیشنهاد می‌کند:

نخست، تکرار: هرچه یک ارزش دستوری بیش‌تر ذکر شود، اهمیت افزون‌تری دارد.

دوم، تأکید: ارزش‌های دستوری چون «کمک به محرومان» که در طول رسالت پیامبر(ص) بر آن تأکید شده است، نسبت به آنهایی که چنین نیستند، اهمیت بیش‌تری دارند.

سوم، تناسب: برخی از ارزش‌های دستوری دیگر مناسب نیستند، زیرا با هنجارهای حال حاضر سازگاری ندارند. مجازات اعدام و حدود، در این دسته جای می‌گیرند، زیرا برای ما دیگر مقبول نیست که مجازات برای اینکه اثرگذار باشد، باید دردناک باشد.

عبدالله سعید در «مؤخره» کتاب خود که عملاً جمع‌بندی مطالب پیش‌گفته است، چارچوب کلی تفسیر محتواگرا را ترسیم کرده است. این تصویر از دیدگاه سنتی اقتباس و با قلمی نو طراحی شده است. در الگویی که در صفحه ۱۵۰ کتاب ارائه شده است، تفسیر قرآن کریم فرایندی تعاملی^{۱۶} است؛ یعنی خواننده در تولید معنای متن مشارکت دارد، نه اینکه چونان گیرنده صرف، تنها دریافت‌کننده معنا باشد. سعید در این الگو چند گام برای

فوق، امکان بیش‌تری برای انطباق پیام متن قرآن کریم در سیاق و زمینه معاصر فراهم می‌شود.

* * *

در سراسر اثر حاضر، بر تفسیر عقلانی قرآن کریم تأکید شده است. با اینکه متن گرایان به سبب «دیدگاهی ساده‌انگارانه و تقلیل‌گرا» کنار نهاده شده‌اند (ص ۱۰۱)، اما نویسنده در این باره دچار افراط نشده است. او میراث تفسیری، فقهی و کلامی در سنت اسلامی را یکسره رد نکرده است، بلکه کوشیده با اجتهاد، به چالش‌هایی که پیش روی جامعه اسلامی قرار دارد، پاسخ گوید. گرچه برخی از دانشمندان غربی رهیافت سعید را محافظه‌کارانه دانسته‌اند، اما کار او به سبب چالش با پیش‌فرض‌های متن گرایان و شبه‌متن‌گرایان مسلمان شایسته تقدیر است.

البته این اثر با وجود تازگی و جذابیت و اطلاعات ارزشمندش، گامی ابتدایی در این زمینه محسوب می‌شود. نویسنده به لحاظ نظری، روش‌شناسی تفسیری تازه‌ای عرضه کرده، ولی در عمل بر موارد اندکی تطبیق کرده است و نمونه‌های ارائه شده نیز صرفاً در جهت تأیید و اثبات همان طرح نظری‌اند و عملاً نقاط ضعف طرح را نمایان نمی‌سازند. بنابراین موضوع هم‌چنان نیازمند شرح و بسط افزون‌تر است. البته این اشکال به معنای کاستن از اهمیت و ارزش اثر نیست. سعید در این کتاب ما را متوجه منابع تفسیری گرانبهای می‌کند که غالباً در سنت تفسیری نادیده انگاشته می‌شوند و رهیافتی تفسیری عرضه می‌کند که هم برای سنت ارزش و اعتبار قائل شده و هم آن را به چالش می‌کشد. به هر حال این کتاب راه را برای بحث و تحقیق بیش‌تر در این باب گشوده است.

منابع

- Abdullah Saeed, *Interpreting the Qur'an: Toward a Contemporary Approach*, London and New York: Routledge, 2006, 192 pages.

- Abdur Raheem Kidwai, "Book Review: *Interpreting the Qur'an: Toward a contemporary Approach*", *The Muslim World Book Review*, 27:1 (2006);

شده، جایی که قرار داشته‌اند، و زمان / شرایطی که در آن، مسائل خاص (سیاسی، فقهی، فرهنگی، اقتصادی) رخ داده است.

- تعیین ماهیت پیامی که متن دربردارد: فقهی، کلامی یا اخلاقی.

- واکاوی پیام‌های اصلی که ظاهراً نقطه تمرکز متن است؛ و بررسی اینکه آیا این پیام عام (غیروابسته به موقعیت، افراد و زمینه خاص) است یا خاص (مرتبط با زمینه جامعه مخاطبان نخستین) و اینکه ارزش پیام در سلسله‌مراتب ارزش‌ها (که در فصل پیش ترسیم شده) چیست؟

- بررسی اینکه چگونه پیام اصلی به اهداف و مقاصد جامع قرآن کریم پیوند می‌خورد.

- ارزیابی اینکه جامعه صدر اسلام چگونه متن را دریافت کرده، آن را تفسیر کرده‌اند، فهمیده‌اند و به کار بسته‌اند.

گام چهارم، معنا برای مخاطبان معاصر: پیوند دادن متن به سیاق کنونی:

- تعیین دغدغه‌ها، مشکلات و نیازهای کنونی که ظاهراً به متن مربوطند.

- واکاوی زمینه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حال حاضر مرتبط با متن.

- استخراج ارزش‌ها، هنجارها و نهادهای خاصی که به پیام متن ربط دارند.

- مقایسه زمینه کنونی با زمینه اجتماعی - تاریخی متن مورد بحث برای دریافت شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو.

- پیوند دادن معنای متن آن‌چنانکه توسط مخاطبان اولیه قرآن کریم فهمیده، تفسیر و به کار بسته شده است با زمینه حاضر با در نظر گرفتن شباهت‌ها و اختلاف‌های این دو زمینه.

- ارزیابی عام یا خاص بودن پیام موجود در متن و میزان وابستگی یا عدم وابستگی آن به اهداف و مقاصد عام قرآن کریم.

به عقیده سعید، در تفسیر سنتی گام‌های اول و دوم و قسمتی از گام سوم نسبتاً خوب پوشش داده شده، اما بخش عمده‌ای از گام سوم و گام چهارم در تفسیر قرآن کریم کلاً مغفول مانده یا جدی تلقی نشده‌اند. او بر این باور است که با پیاده‌سازی کامل مراحل